

نگاهی به فیلم «۲۳ نفر» ساخته مهدی جعفری که بدون حضور ستاره‌ها، دیده شد

## قصه ۲۳ مرد در یک سلول انفرادی

گروه فرهنگ و هنر: احمد یوسفزاده سال‌ها پیش روایت اسارت ۲۳ نوجوان در دوران جنگ تحمیلی در زندان یعنی‌ها را به رشته تحریر درآورد که بسیار مورد توجه قرار گرفت و علاوه بر موفقیت در کسب جوایز ادبی بسیار، بارها نیز تجدید چاپ شد. قصه گیرای این کتاب پتانسیل کم‌نظیری برای تبدیل شدن به نسخه سینمایی داشت و از همان زمان افراد مختلفی برای ساخت آن اعلام آمادگی کردند. «مهدی جعفری» اما بهترین گزینه برای ساخت این فیلم بود؛ چرا که حدود ۱۴ سال قبل مستندی درباره این نوجوانان ساخته بود و اشراف کاملی بر وقایع و داستان داشت. در نهایت نیز فرعه به نام جعفری و سازمان هنری - رسانه‌ای اوج افناد تا این قصه ذاتا دراماتیک را بالاخره روی پرده سینما بیاورند. نمایش این فیلم در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر با وجود عدم نقش آفرینی بازیگران چهره در این اثر، با استقبال بالای مردم و اهالی رسانه روبه‌رو شد.

جشنواره فیلم فجر به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود و حالا دیگر اغلب فیلم‌ها اکران شده و بازخورد مخاطبان و منتقدان به این آثار از طریق رسانه‌ها قابل پیگیری است. یکی از فیلم‌هایی که تقریباً در سکوت خبری تولید شده و تا پیش از نخستین اکران در جشنواره خیر چندانی از آن در رسانه‌ها نبود دومین اثر سینمایی مهدی جعفری یعنی «۲۳ نفر» است. این فیلم روایت قصه ۲۳ نوجوان است که در زمان جنگ تحمیلی به اسارت عراقی‌ها درآمدند و اخبارشان در سراسر دنیا پخش شد. در ادامه گفت‌وگوی کوتاه ما را با مهدی جعفری، کارگردان این فیلم می‌خوانید.

\*\*\*

■ **چطور شد تصمیم گرفتید نسخه سینمایی «۲۳ نفر» را بسازید؟ به نظر تان کدام یک برای مخاطب جذاب‌تر است و در کل بین نسخه مستند و نمایشی به لحاظ روایت قصه چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟**

یکی از سوال‌های مشترک اغلب دوستان خبرنگار و منتقد پیش کشیدن بحث قیاس فیلم مستند «۲۳ نفر» با فیلم سینمایی آن است. البته هر چه فکر می‌کنم این اتفاق که یک مستندساز سال‌ها پس از ساخت مستندش یک فیلم سینمایی هم از همان موضوع بسازد اتفاق رایجی نیست، نه اینکه پیش‌تر رخ نداده باشد، بلکه کمتر پیش می‌آید این شناس با کسی یار باشد و البته مشکلات خودش را هم دارد. بزرگ‌ترین مزیت این اتفاق تسلط فیلمساز بر موضوع و زوایای آشکار و پنهان آن است اما این تقدیر نیک، معایبی هم دارد. برای من که مدت ۱۴ سال با همه افراد گروه ۲۳ نفر دوست و رفیق بودم نگارش متنی سینمایی بر اساس واقعیت،

امر سختی بود. من خود را نماینده امین و مورد اعتماد ۲۳ نفر می‌دانستم، آنها هم همین احساس را نسبت به من داشتند و از طرفی باید برای قالب سینما می‌نوشتیم و جذابیت‌های ویژه آن را در نظر می‌گرفتم. بیشترین فرسایش روانی برای من مربوط به این چالش اقتباس بود. در یک‌طرف ۲۳ نفر را تصور می‌کردم که پس از نمایش فیلم با ابروهای در هم رفته جلوی چشم من ایستاده‌اند و طلبکارانه چهره واقعی خود و داستان‌شان را جست‌وجو می‌کنند و در طرف دیگر تماشاگران سینما را که به بلیت خریده و آمده بودند تا یک فیلم سینمایی را ببینند و از تماشای آن لذت ببرند اما در عوض با یک فیلم مستند مواجه شده بودند و به نشانه اعتراض سائلن را ترک می‌کنند! بالاخره به کمک جنبه‌های دراماتیک موجود در خود داستان آنقدر نوشتم و نوشتم تا به فرم نهایی موجود رسیدیم. امیدوارم همانطور که در نخستین‌گام‌های نمایش فیلم شاهد آن هستم، انتخاب درستی کرده باشم. انتخابی که هم ۲۳ نفر واقعی را رضی کند و هم تماشاگران‌شان را.

■ **در مساله روایت داستان چقدر قوه تخیل مهدی جعفری درگیر بوده و چقدر پایبند به واقعیت بوده‌اید؟**

در بازتابی نهایی داستان بیش از ۸۰ درصد به واقعیت ماجرا وفادار بودم اما چه در این بخش ۸۰ درصدی و چه آن ۲۰ درصد دیگر قطعاً تخیل من دخیل بوده است. در چنین آثار اقتباسی پیدا کردن این مدل حد و مرزها کار سختی است و

بررسی «۲۳ نفر» از منظر فرم و محتوا

### قصه اسارت و غیرت

هادی زمانی: شاید خیلی‌ها داستان «۲۳ نفر» و «مصلح» را بارها شنیده باشند، چه در «ماه عسل»؛ چه از طریق مطالعه کتاب‌های‌شان و چه در شب‌های خاطره ... و در همه این موقعیت‌ها مجذوب داستان شده باشند؛ اتفاقی مهیج که روایت ساده آن می‌تواند هر کس را پای قصه بنشاند، لذا «مهدی جعفری» از لحاظ در اختیار داشتن یک قصه بلند به همراه بسیار خردروایت و پیرنگ، بخت بلندی داشته فیلم سینمایی‌اش را به مخاطبان عرضه کند. این قصه خودش جذاب است و حالا و نسخه تصویری آن را ارائه کرده است.

### کاریکاتور همه چیز!

یلتدا محسن شه‌میرزادی: مسعود بخشی در «یلدا» تمام بار درام را بر دوش هیجان پشت صحنه و روی آنتن زنده تلویزیون قرار داده است. روایتی که بنا دارد اجتماعی باشد و چند مساله را در هم ریخته و از دل آن فیلمی به نام «یلدا» پدید آورده است. روایت کاریکاتوری از تلویزیون و شیوه روی آنتن بردن برنامه که در نگاه خوشبینانه می‌توان آن را هجو و تمسخر برنامه‌هایی چون «ماه عسل» دانست. همه چیز هم برای این کار جور است؛ مجری‌ای که می‌توان شباهت‌هایی به اداهای احسان علیخانی در او دید، مضمونی مشابه ماه عسل و دعوت از ۲ میهمان شاک‌ی و متشاک‌ی در مقابل هم تا هم برنامه را پر مخاطب کند و در آنتن ریاکارانه خود کار خیری را به رخ بکشد؛ روایت اشک و غم در شب‌های شادی مردم. اما «یلدا» بیشتر از آنکه ماه عسل و صداوسیما را هجو کند خودش تبدیل به کاریکاتوری خنده‌دار از دغدغه اجتماعی شده است. روایت‌های بی‌منطقی که هیچ توجیهی برای رخ دادن آن در فیلم نمی‌بینیم. همه چیز از در و دیوار ناگهان سر می‌رسند و داستان قصه را پیش می‌برند بدون آنکه جرات داشته باشیم از دلیل وقوع این رویدادها بپرسیم. چرا که اتفاق بی‌دلیل دیگری رقم می‌خورد و زیر انبوه پیرنگ‌های مضحک و داستان پر کن، غرق می‌شوی. جذاب‌تر از قصه، کاراکترهایی هستند که نه از پیشینه‌شان خبری هست و نه به اندازه کافی عمیقند. نه به تیپ می‌رسند و نه می‌توان از آنها رگه‌هایی بیرون کشید که بتوان

نماهای داخل انفرادی و اعتصاب ۲۳ نفر از بالا یکی از مهیج‌ترین و احساسی‌ترین بخش‌های فیلم است. ■ **بازی خوب نوجوانان** طبیعتاً کار با یک نابازیگر برای هر کارگردانی کار سختی است، حالا شما تصور کنید قرار است با ۲۳ نابازیگر دست به ساخت بزیند و سخت‌تر اینکه این ۲۳ نفر نوجوان نیز باشند. این مسیر یعنی ساخت ۲۳ نفر از منظر نابزبگری بسیار سخت است خاصه آنکه هر ۲ نفر را از یک قوم و یک زبان گلچین کرده باشی! اما برآیند کار نشان می‌دهد نابزبگری‌ها خیلی خوب درآمده و اتفاقاً این تنوع زبانی لطافتی خاص را برای مخاطب تداعی کرده است که در دل خود وحدت ملی را نیز دارد. شوخ‌طبعی‌ها از یک سو و غیرت ملی این نوجوانان از سوی دیگر فیلم را دلنشین می‌کند.

### موضوع

شاید یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در سال‌های اخیر در خصوص ساخت فیلم‌های دفاع‌مقدس توجه به لطمه نخوردن به رابطه دو ملت ایران و عراق باشد. تفاوت بین «حزب بعث و صدام» با «ملت عراق» بعضاً در بازتابی سینمایی آن رعایت نمی‌شود اما ۲۳ نفر با دقت و ظرافت این تفاوت را ایجاد می‌کند و مخاطب اگرچه از صدام متنفر می‌شود اما ملت عراق را که نمادهایش «بزشک عراقی»، «سرباز عراقی»، «روزم‌فروش عراقی» و... است دوست می‌دارد.

### امان از پایان‌بندی

پایان‌بندی مشکل عمده فیلم‌های سینمای ایران است. ۲۳ نفر ریمت خوبی دارد، تند جلو

### خودآزاری در روز روشن!

احسان سالمی: یلتدا جلیلی با «جمشیدیه» ساخت «جمشیدیه» نشان داد هستند فیلمسازانی که حتی برای کپی‌کاری هم سراغ نسخه‌های اصلی نمی‌روند! جلیلی در «جمشیدیه» قصه‌ای را روایت می‌کند که بیش از هر چیز یادآور فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا»ی وحید جلیوند است؛ فیلمی که خود بر مبنای الگوی رایج در سینمای اصغر فرهادی ساخته شده بود و حالا جلیلی با ساخت «جمشیدیه» در واقع از روی دست کپی‌کپی فرهادی رونویسی کرده است! فیلم با قصه یک درگیری آغاز می‌شود که در ابتدا اصلاً جدی گرفته نمی‌شود اما در ادامه و با فوت یکی از طرفین ماجرا، شرایط قصه پیچیده‌تر می‌شود. قصه فیلم، قصه غذاب‌وجدان است، غذاب‌وجدانی که عدم تسلط فیلمساز در چگونگی به تصویر کشیدن آن و بازی اغراق‌شده سالرا بهرامی در نقش زنی که خود را متهم یک قتل غیرعمد می‌بیند، باعث شده تصویر شکل گرفته از کاراکتر اصلی قصه در ذهن مخاطب بیشتر شبیه به فردی خودآزار باشد. فیلم حتی در بیان حرف اصلی خود که موضوع مهم تسلط بر خشم است هم ناتوان مانده، به شکلی که گنجاندن حجم انبوهی از دیالوگ‌های گل‌درشت در اثر بویزه در سکانس‌های مربوط به دادگاه و دفاعیات کاراکتر اصلی از خود در دادگاه، نه‌تنها ذهن مخاطب را نسبت به این مساله مهم یعنی کنترل اعصاب در ناراحتی و عصبانیت جلب



نمایان می‌کند. ■ **دکوپاژ و میزانشن** شاید قدرتمندترین بخش فیلم «۲۳ نفر» همین دکوپاژ و میزانشن آن باشد. مهدی جعفری را پیش از آنکه به عنوان کارگردان بشناسیم، یک فیلمبردار چیره‌دست می‌دانیم. قاب‌بندی‌های عالی او در «به وقت شام»، «دهلیز» و «توبوس شب» را همیشه به خاطر دارند و او حالا پشت دوربین در مقام کارگردان قرار گرفته و تجربه فیلمبرداری‌اش را اینجا به کار آورده است. نماهای دوربین نشان می‌دهد جعفری از قبل تصویر دکوپاژ شده را با استوری‌برد ترسیم کرده و بعد پای ضبط آمده است.



کارگردان نتوانسته آن ریتم منسجم در مسیر کلی فیلم را در پایان‌بندی هم حفظ کند و بیننده این پایان را وصله ناجور کلیت فیلم می‌داند.

می‌رود، اتفاقات را بدرستی ترسیم می‌کند اما ۱۰ دقیقه پایان فیلم انگار از فیلم جداست و ناگه فیلم از ریتم می‌افتد و فضا کاملاً متفاوت می‌شود.

### مهملات یک کارگردان منقضی!

میکائیل دیانی: علیرضا رئیس‌یان بعد از چند سال دست به ساخت «مردی بدون سایه» زده است و توقع آن می‌رفت که فیلمی خوب را به جشنواره بی‌بورد اما فیلم او متوسط رو به پایین بود که بیشترین ایراد را باید البته به فیلمنامه داشت. فیلمنامه دارای خطاهای روایی فاحش است که دکوپاژ و میزانشن چیده شده توسط علیرضا رئیس‌یان بر آن افزوده است. موضوع فیلم «قضاوت کردن اشخاص» است اما فیلمنامه هیچ دو گزاره منطقی و در کنار هم را ندارد که نشان دهد قضاوت‌ها بر پایه کدام منطقی در حال انجام شدن است! قصه آشفته است و در ۴۰ دقیقه‌های که گره اصلی داستان در حال شکل‌گیری است و بعد از آن که گره‌گشایی کارگردان صورت می‌گیرد، مخاطب نمی‌تواند بین مسائل رابطه برقرار کند. حتی در پایان‌بندی فیلم آنقدر ضعیف عمل شده که مخاطب نمی‌داند همه آنچه اتفاق افتاده یک توهم بوده یا واقعیت! ریتم فیلم بشدت کند و خسته‌کننده است و پلان‌های زیادی از مخاطب می‌پیند که بود و نبود آن در جمع‌بندی و کمک به پیشبرد داستان کمکی نمی‌کند. سکانس‌ها شل و وارفته است. بعد از فیلمنامه و کارگردانی معمولی رئیس‌یان می‌توان نمره منفی را به فیلمبرداری داد؛ فیلمبرداری که اتفاقاً طبق فیلمنامه نقش بسیار موثری در قصه‌گویی کار باید داشته باشد اما ندارد! شاید



نمی‌کند، بلکه تبدیل به اسباب خنده او می‌شود. همین دیالوگ‌های گل‌درشت در کنار چنین نادرست برخی پلان‌های احساسی در کنار برخی دیگر از پلان‌های فیلم، باعث شده ارتباط مخاطب با فضای موردنظر فیلمساز به حداقل خود برسد؛ آنچنان که قرار گرفتن پلاستی از صحبت‌های کیومرث پوراحمد که در فیلم کاراکتری بی‌خیال دارد، پس از یک حس بشدت احساسی، با خنده‌های بلند اهالی رسانه در سالن سینما روبه‌رو شد. جلیلی حتی در انتخاب زوایای دوربین اثرش نیز مسیر اشتباهی را طی کرده است، چرا که مثلاً در پلان‌هایی که مخاطب قرار است شاهد صحنه درگیری از زاویه دید کاراکتر اصلی باشد، به جای دیدن اتفاقات از زاویه منظر او، از زاویه بیرونی و از نگاه سوم شخص اتفاقات را مشاهده می‌کند! «جمشیدیه» فیلم خوبی نیست، نه فقط به خاطر قصه نخ‌نما شده اثر یا دیالوگ‌های شعاری آن، بلکه بیشتر به واسطه اینکه ساخت و تولید چنین فیلم‌هایی نه‌تنها کمکی به چرخه تولید سینمای ایران نمی‌کند، بلکه شکست خوردن آنها در گیشه اعتماد سرمایه‌گذاران به فیلمسازان جوان را کم می‌کند؛ فیلمسازانی که برخلاف جلیلی تمایلی به کپی کردن از نسخه‌های فیک فرهادی ندارند!



توان و هوش و انرژی بالایی داشتند؛ برای همین با به پای ما جلو آمدند و جایی کم نگذاشتند. از همه آنها تشکر می‌کنم. ■ **فیلم را در اکران‌های مردمی جشنواره و در کنار مخاطبان تماشا کرده‌اید؟ واکنش‌ها در طول نمایش‌های جشنواره چگونه بود؟** راستش من این فیلم را همانطور که گفتم با دل و جان ساختم و انگیزه‌هایم انگیزه‌هایی بزرگ‌تر از دلمشغولی‌های معمولی در عرصه سینما و فیلمسازی بود. ساخت «۲۳ نفر» برایم به یک آرزوی بزرگ تبدیل شده بود. می‌دانستم این فیلم می‌تواند مهمی برای مخاطبان باشد اما واقعیتش را بخواهید واکنش تماشاگران در این چند روز کمی فراتر از انتظارم بود. گمان نمی‌کردم این طیف وسیع و متنوع از تماشاگران با فیلم ارتباط برقرار کنند و «۲۳ نفر» فیلمی بشود برای همه نوع مخاطب. امیدوارم تا سال‌های سال بیننده خود را داشته باشد، چون هم ادای دین است به فداکاری‌های یک نسل و هم می‌تواند به شکل غیرمستقیم تأثیرگذار باشد و یک مفهوم رو به فراموشی را به تماشاگران جوانش یادآوری کند. ■ **با توجه به اینکه مخاطب اصلی این فیلم نوجوانان و جوانان هستند، چه زمانی را برای اکران عمومی «۲۳ نفر» مناسب می‌دانید؟** به نظرم این سوالي است که باید متخصصان این حوزه به جواب آن کمک کنند اما طبعاً با این همه سختی و مرارت و پاسخی که فیلم «۲۳ نفر» در نخستین اکران‌های خود در جشنواره فجر از مخاطبان گرفته است گمان می‌کنم نیمه اول سال فرصت مناسبی برای اکران آن باشد اما امیدوارم فیلم «۲۳ نفر» همیشه برای مخاطب دیدنی باشد.